

موانع، چالش‌ها و راهبردهای سواد مالی

اکرم تفتیان^۱، کیمیا خالدي^۲

- ۱- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران
۲- کارشناس اموراداری و پشتیبانی، اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان یزد
کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، گروه مهندسی مالی، یزد، ایران

چکیده

هر فردی در درک مسائل مالی خود با چالش‌های خاصی مواجه می‌شود. در این مطالعه، سواد مالی زنان با توجه به مدیریت مالی و دانش سرمایه‌گذاری، مورد بررسی قرار می‌گیرد. موانع و چالش‌هایی که پیش روی زنان است باعث شده آن‌ها به‌سختی بتوانند برای مسائل مالی در آینده آماده شوند. رابطه زنان با پول، با تجارب زندگی شخصی آنان گره‌خورده است، به عبارتی آنان معمولاً مسئولیتی در قبال مسائل مالی بر عهده ندارند تا زمانی که تغییری در زندگی شخصی‌شان، مانند طلاق یا مرگ، ایجاد شود. زنان به‌سختی می‌توانند مسائلی نظیر احساسات، پول و خانواده را از هم جدا کنند. این نگرانی در میان برخی زنان وجود دارد که در صورت پرسیدن سؤالاتی در زمینه مسائل مالی، بی‌اطلاع یا بی‌سواد به نظر برسند. برخی دیگر نگران این موضوع هستند که نتوانند اطلاعات یا فرآیند را به‌درستی درک کنند. امروزه بار مسئولیت حفاظت مالی در حال واگذاری به تک‌تک افراد است؛ لذا مهم است که زنان در مدیریت امور مالی خود، توانمند باشند. با توجه به این مسائل، لازم است که زنان درک درستی از امور مالی خود داشته و بهره بیشتری از پول خود ببرند. زنان باسواد می‌توانند تصمیمات عاقلانه‌تری در زمینه مسائل مالی بگیرند؛ بنابراین نداشتن دانش و اعتماد به‌نفس در زمینه مدیریت مالی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در بین زنان، بر توانایی آنان برای رسیدن به تمکن مالی تأثیر می‌گذارد. زنانی که برای رسیدن به استقلال مالی، توانایی و آموزش لازم را دارند، از ابزار و منابع مختلف برای رسیدن به تمکن مالی بهره خواهند برد. هدف پژوهش حاضر شناخت موانع موجود در مسیر تبدیل دانش و ادراک به رفتار واقعی، منابع لازم برای دادن اطلاعات مالی به زنان و همچنین نیاز یا عدم نیاز به منابع بیشتر و برنامه‌های آموزشی در زمینه سواد مالی زنان می‌باشد.

کلیدواژه: سواد مالی، توانمندسازی زنان، چالش‌های مالی، تصمیم‌گیری‌های مالی

۱. مقدمه

سواد مالی برای زنان اهمیت بالایی دارد، زیرا حدود ۹۰ درصد آنها در مقطعی از زندگی باید امور مالی خود را به‌تنهایی مدیریت کنند (بودجه اوپنهایمر، ۲۰۰۵).^۱ بار مسئولیت حفاظت مالی در حال واگذاری به تک‌تک افراد است. لذا مهم است که زنان در مدیریت امور مالی خود، توانمند باشند. به‌طور عمومی، زنان حقوق پایین‌تر و عمر بلندتری دارند و زمان کمتری در محیط کاری هستند. با توجه به این مسائل، لازم است که زنان درک درستی از امور مالی خود داشته و بهره بیشتری از پول خود ببرند. لذا مهم است که زنان در مدیریت امور مالی خود، توانمند باشند. زنان مطلع و باسواد می‌توانند تصمیمات عقلانه‌تری در زمینه مسائل مالی بگیرند. هر فردی در درک مسائل مالی خود با چالش‌های خاصی مواجه می‌شود. در این مطالعه، سواد مالی زنان با توجه به مدیریت مالی و دانش سرمایه‌گذاری، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همگان باور دارند که اشتراک زنان در فعالیت‌های اقتصادی بخش مهم حقوق زنان و بخشی از روند پیشرفت کشور می‌باشد. زنان معمولاً در فعالیت‌های اقتصادی کوچک که توسط بنگاه‌های کوچک و دیگر منابع محدود حمایت می‌شوند، مشغول بوده اما به امکانات پس‌انداز دسترسی ندارند و در برابر خطرات آسیب‌پذیر باقی‌مانده‌اند. با وجود تعادل و برابری در اسلام، تقسیم ایده‌آل کار همچنان طوری است که مرد نان‌آور خانواده و زن مسئول امور داخلی خانه به‌شمار می‌روند. این کار شدیداً روی توانایی زنان برای دسترسی به بازار کار در بیرون از خانه، تأثیر گذاشته است. بنابراین این قوانین می‌توانند جامعه را از پذیرش اشتغال زنان و دسترسی آنان به فعالیت‌های رسمی اقتصادی، بازدارند. فقدان فرصت‌های اشتغال، کمبود تجارب کاری، پرداخت مُزد و معیشت ناچیز، سطح پایین آموزشی و عدم حمایت خانواده‌ها از اشتغال زنان در بیرون از محیط خانه، از جمله عمده‌ترین موانعی است که فراراه زنان قرار دارد (گینش و همکاران، ۱۳۹۲).^۱ توانمندسازی اقتصادی زنان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «توانایی زنان در سهم‌گیری در فعالیت‌های اقتصادی که بتواند تغییرات مثبت را در زندگی و اجتماع زنان به ارمغان بیاورد». آیا نداشتن دانش و اعتمادبه‌نفس، بر توانایی زنان برای رسیدن به اهداف مالی تأثیر می‌گذارد؟ اصول اساسی در زمینه سرمایه‌گذاری، بدون توجه به فرد، یکسان است ولی آیا دید زنان به مسائل مالی و سرمایه‌گذاری مشابه مردان است؟ این تحقیق، با مروری بر مقالات، مجلات، کتاب‌ها و سایت‌های اینترنتی مرتبط به مدیریت مالی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری، آغاز گردید. موضوعات تحقیق شامل تعریف سواد مالی، موانع موجود مقابل زنان در ارتباط با امنیت مالی و چالش‌های پیش روی زنان در زمینه مدیریت پول و دانش سرمایه‌گذاری است.

۲. سواد

در سالهای گذشته، پیشرفت‌هایی در زمینه دانش و اعتمادبه‌نفس زنان در مسائل مالی به وجود آمده ولی زنان هنوز نگران آینده مالی خود بوده و مطمئن نیستند که چه باید بکنند. اصطلاح سواد مالی زیاد استفاده می‌شود ولی بسیاری از افراد تعریف آن را به‌درستی درک نمی‌کنند. سواد مالی اولین بار در سال ۱۹۷۷ در ایالات‌متحده و طی مراسم افتتاحیه ائتلاف عزم برای سواد مالی فردی مطرح شد. این ائتلاف در گزارش خود در مورد مطالعه‌ای که برای سنجش میزان سواد مالی دانش آموزان دبیرستان انجام داده بود، سواد مالی را ((توانایی یک فرد در استفاده از دانش و مهارتش برای مدیریت اثربخش منابع مالی خود به‌منظور امنیت مالی در طول عمر)) تعریف کرد (ائتلاف جامپ استارت، ۲۰۰۹)^۲

سازمان OECD^۳، از سال ۲۰۰۰ برنامه بین‌المللی ارزیابی دانش آموزان (PISA) را که سنجش بین‌المللی از سیستم‌های آموزشی کشورهای مختلف است، اجرا می‌کند. این ارزیابی هر سه سال یک‌بار انجام می‌شود و دانش آموزان ۱۵ ساله را در چهار حوزه سواد خواندن، سواد ریاضی، سواد علمی و ظرفیت‌های راه‌حل‌یابی مورد سنجش قرار

می‌دهد. ششمین ارزیابی در سال ۲۰۱۵ انجام شد. در این مطالعه، سواد مالی برای دانش آموزان ۱۵ ساله (جامعه آماری این مطالعه) این‌گونه تعریف شده است:

سواد مالی عبارت است از توانایی دانش آموزان در به‌کارگیری دانش و مهارت در حوزه‌های کلیدی موردنظر و تحلیل، استدلال و ارتباط مؤثر زمانی که آنان مشکلات را در موفقیت‌های مختلف، مطرح، حل و تفسیر می‌نمایند. این برنامه در پی آن است که به‌جای تمرکز صرف بر توانایی‌ها در زمینه برنامه‌های تحصیلی دانش آموزان، از دانش و مهارت آنان در برآورده کردن چالش‌های زندگی واقعی استفاده شود.

تعریف بالا، بر اساس تعریف OECD از سواد مالی بزرگسالان شکل گرفته است. این سازمان سواد مالی بزرگسالان را به‌صورت زیر تعریف می‌کند:

سواد مالی ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، گرایش و رفتاری است که برای اتخاذ تصمیم‌های مالی مناسب و درنهایت دستیابی به رفاه مالی فردی ضروری است. (اتکینسون، ۲۰۱۲)^۴

لازم به ذکر است که تعریف بالا در سال ۲۰۱۲ توسط رهبران گروه ۲۰ مورد تأیید قرار گرفته است. از طرف دیگر، در چند سال اخیر در برخی از محافل علمی و حرفه‌ای واژه توانمندی مالی جایگزین سواد مالی شده است. پژوهش‌گران انگلیسی و کانادایی از پیشگامان به‌کارگیری واژه توانمندی مالی هستند و از آن در جهت توصیف دانش مالی افراد و اطمینان و انگیزه آنها برای مدیریت مالیه فردی استفاده می‌کنند. (آتس و همکاران، ۲۰۱۶)^۵ برای مثال، دولت انگلستان برای واژه توانمندی مالی تعریف زیر را ارائه کرده است:

توانمندی مالی مفهوم گسترده‌ای است که دربرگیرنده دانش و مهارت‌های افراد برای فهم شرایط مالی خودشان همراه با انگیزه لازم برای اقدام کردن است. مصرف‌کنندگانی که از لحاظ مالی توانمند هستند، پیشاپیش برنامه‌ریزی می‌کنند، اطلاعات مناسب را یافته و از آنها استفاده می‌کنند، می‌دانند که چه زمانی مشورت بگیرند و می‌توانند آن مشورت را درک و بر اساس آن اقدام کنند و در آخر مشارکت بیش‌تری در بازار خدمت مالی دارند (حیات و انوار، ۲۰۱۶).^۶

سواد مالی به‌طور مستقیم با سلامت فرد و جامعه مرتبط است، زیرا به فرد کمک می‌کند تا امور مالی شخصی خود مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی مالیاتی، برنامه‌ریزی بازنشستگی و غیره را مدیریت کند و به آنها کمک کند تا بدانند چگونه پول بیشتری می‌توانند داشته باشند (کریم قالمق، احمد یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۵).
نوکتور ات. آل (۱۹۹۲)^۷ سواد مالی را به‌عنوان توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در مورد استفاده و مدیریت پول تعریف کرد.

مور (۲۰۰۳)^۸ اظهار داشت که سواد از طریق تجربه عملی و ادغام فعال دانش به دست می‌آید. افرادی که سواد بیشتری دارند، به‌طور فزاینده‌ای از لحاظ مالی پیشرفته‌تر می‌شوند و گمان می‌شود که این ممکن است به این معنا باشد که یک فرد صلاحیت بیشتری داشته باشد.

ماندل (۲۰۰۷)^۹ سواد مالی را به‌عنوان توانایی ارزیابی ابزارهای جدید و پیچیده مالی و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در هر دو انتخاب ابزار و میزان استفاده که دارای بهترین منافع بلندمدت آن‌هاست تعریف می‌کند. لوساردی (۲۰۰۸)^{۱۰} سواد مالی را به‌عنوان شناخت مفاهیم مالی اساسی، مانند کار ترکیبی از منافع، تفاوت ارزش اسمی و واقعی و مبانی تنوع ریسک تعریف می‌کند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)^{۱۱} سواد مالی را ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و درنهایت دستیابی به سلامت فردی تعریف کرده است. شورای ملی آموزش مالی سواد مالی را داشتن مهارت و دانش در امور مالی با اطمینان اقدام مؤثر که بهترین اهداف فردی، خانوادگی و جهانی فرد را برآورده می‌کند؛ تعریف می‌کند. مطابق تعریف استونز (۲۰۰۴)^{۱۲} سواد مالی توانایی خواندن، تحلیل، مدیریت و ارتباط در زمینه وضعیت مالی شخصی است که بر رفاه جسمانی تأثیر می‌گذارد. در تعریف

سواد مالی، توانایی تعادل ایجاد کردن در دسته‌چک یا توانایی خواندن صورت‌حساب‌های مالی در نظر گرفته می‌شود. یک کارمند زمانی سواد مالی دارد که بتواند مزایای کارمندی در شرکت خود را درک کند. تعریف صندوق آموزش سرمایه‌گذار از سواد مالی عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌ها و دانش که به فرد توان فهم موارد زیر را می‌دهد:

- اصول مالی موردنیاز برای گرفتن تصمیمات آگاهانه
- فرآورده‌های مدیریت مالی که بر رفاه مالی تأثیر می‌گذارد (سرمایه‌گذار، ۲۰۰۹)^{۱۳}

اگرچه تعاریف ارائه‌شده توسط سازمان‌های مختلف و نویسندگان متنوع هستند، برخی از مؤلفه‌های مشابه در هر تعریف سواد مالی وجود دارد. هر تعریف سواد مالی بر اهمیت داشتن مهارت و دانش مالی برای تصمیم‌گیری آگاهانه متمرکز شده است.

محیط خانگی نیز در سواد مالی هر فرد مؤثر است. بسیاری از عادات و رفتارهای مالی که در دوره کودکی کسب‌شده‌اند، در زمان کهن‌سالی تأثیر دارند (این‌تو، ۲۰۰۳).^{۱۴} والدین به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتار مصرفی کودکان خود و تحول آن، تأثیر می‌گذارند. تأثیر اولیه در مسیر مدیریت پول و گرایش به سمت پس‌انداز در افراد، توسط والدین ایجاد می‌شود (ایکمایر، ۲۰۰۷).^{۱۵} کودکان، رفتار مدیریت مالی را از طریق مشاهده و مشارکت دستورات عمل‌های نهادهای اجتماعی، اعضای خانواده (والدین، خواهر و برادر، همسر)، مدرسه، محل کار، رسانه و فرهنگ می‌آموزند (ایکمایر، ۲۰۰۷). بی‌سواد مالی در میان گروه‌های جمعیتی خاص نظیر زنان و افراد سالخورده بسیار رایج است (سرشماری، ۲۰۰۰).^{۱۶}

باوجود آنکه بسیاری از جوانان در ایالات‌متحده معتقدند که درک مسائل اقتصادی اهمیت بالایی دارد، بسیاری از خانوارها با پایه‌ای‌ترین مفاهیم اقتصادی که برای پس‌انداز مالی و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری موردنیاز است، ناآشنا هستند (لوزاردی، ۲۰۰۷).^{۱۷} تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش مالی می‌تواند منجر به دانش مالی شود و تغییرات مثبتی در گرایش‌ها، انگیزه و رفتار ایجاد کند (ایکمایر، ۲۰۰۷). در مقایسه با مردان، زنان بیشتری به دنبال یادگیری مدیریت پول از والدین و اشتباهات قبلی خود هستند. به‌طور عمومی، زنان دانش کمتری درباره امور مالی شخصی دارند ولی آموزش و تجربه می‌تواند سواد مالی زنان را تحت تأثیر قرار دهد. مردان نیز مشابه زنان می‌توانند به‌وسیله آموزش، سواد مالی خود را ارتقا دهند (چه، ۲۰۰۲).^{۱۸} عادات خرج کردن و پس‌انداز از همان ابتدا شکل می‌گیرد (بریتبارد، ۲۰۰۳).^{۱۹} با افزایش سن، زنان نقش‌های جدیدی در زندگی خود بر عهده می‌گیرند و به دنبال به‌کارگیری مهارت‌هایی می‌روند که در دوران جوانی آموخته‌اند (این‌تو، ۲۰۰۳).^{۲۰} زنان تمایل دارند که سواد مالی کمتری نسبت به مردان داشته باشند، با این‌وجود، سواد مالی هر فرد مرتبط با خودادراکی او از دانشی است که در امور مالی شخصی دارد (چن، ۲۰۰۲).^{۲۱} سواد مالی را می‌توان به‌وسیله آموزش تغییر داد. داشتن یک مدرک دانشگاهی با چگونگی مدیریت مالی یک زن، ارتباط دارد. احتمال دارد که زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری به همراه همسرشان بیشتر درگیر باشند (بودانیس، ۲۰۰۷).^{۲۲} میزان اعتماد به نفس یک زن برای تصمیم‌گیری، در واقع اختلاف میان دانستن چیزی و انجام دادن آن است (فونداسیون، ۱۹۹۸).^{۲۳} پس‌انداز برای پس از بازنشستگی، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، گسترش برنامه‌های بیمه، ارائه فرصت‌های غیرمنتظره‌ای در آینده را افزایش می‌دهد. فقط دانستن اهمیت برنامه‌ریزی مالی کافی نیست، فرد باید بداند چگونه می‌تواند برنامه‌ریزی مالی خود را به‌گونه‌ای بهتر انجام دهند تا اهدافشان به دست می‌آید. برای انجام برنامه‌ریزی مالی بهتر باید مفاهیم اساسی مدیریت پول را مانند محاسبه منافع مرکب، تنوع ریسک و غیره دانست. از این‌رو با توجه به اهمیت داشتن حداقل سواد مالی، باید توجه کرد.

سواد مالی به فرد کمک می‌کند تا تصمیم‌های مالی خود را به نحو مؤثرتر و کارآمدتر انجام دهد تا بدین ترتیب کمک به انباشت ثروت خود شود. علاوه بر این، با توجه به پیشرفت فناوریانه در حال حاضر تقریباً هر بانک خدمات خود را با

کمک بانکداری اینترنتی و همچنین از طریق برنامه‌های مختلف تلفن همراه فراهم می‌کند، بنابراین دسترسی آسان به خدمات مالی فراهم می‌شود؛ اما تنها دانستن به‌اندازه کافی نیست، باید مهارت و دانش استفاده از این برنامه‌ها داشته باشد، باید مهارت‌هایی را برای شناسایی برنامه‌های معتبر داشته باشد، زیرا این‌ها از سرقت سایبری مصون نیستند. از این‌رو، سواد مالی مهم می‌شود (چنتا سینگ^{۲۴}، ۲۰۱۷).

۳. موانع سواد مالی

زنان با موانع زیادی در مسیر رفاه مالی روبرو هستند. زنان در ایجاد و پیشرفت تمدن سهم ارزنده‌ای داشته و دارند؛ اما جایگاه آنان در زندگی اجتماعی، همواره متناسب با این سهم نبوده و نیست؛ وظایفی که نظام آفرینش در پرورش فرزندان، چه در دوران جنینی آنان و چه پس‌از آن، بر عهده زنان قرار داده است. با وجود ارزش بسیار بالای معنوی و مادی، گاه به‌عنوان مانعی در راه کار و شغل جلوه‌گر می‌شود و در دیگر موارد هم تکالیفی چندجانبه را بر دوش آنان می‌نهد.

برخی بر این باورند که با توجه به وظایف مهم زنان در زمینه مادری و مدیریت داخلی خانه، اشتغال آنان در بیرون از خانه به وظایف دسته اول لطمه می‌زند و بهتر است که زنان به مادری و خانه‌داری بسنده کنند. اینان توجه ندارند که از دیرباز در روستاها زنان نه‌تنها وظایف خانه‌داری را بر دوش می‌کشند بلکه سهم عمده و اساسی در اقتصاد خانواده دارند. در شهرها نیز بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند به درآمد مرد خانه اکتفا کنند و زنان ناگزیرند در بخش غیررسمی (سازمان نیافته) یا بخش‌های رسمی اقتصادی به فعالیت بپردازند (توسلی و رفیعی، ۱۳۸۷).

اصطلاح سواد مالی خود یک نوع مانع بشمار می‌رود، زیرا بر بی‌سوادی مالی برخی افراد دلالت دارد. تصمیم‌گیری‌های مالی و بحث‌هایی در رابطه با مسائل مالی و پولی می‌تواند باعث ناراحتی شود. واژه بی‌سوادی مانع دیگری ایجاد می‌کند. این واژه این تصور را ایجاد می‌کند که فرد مسئله را درک نکرده یا دانش کافی برای فهم مسئله ندارد. زنان نیز با موقعیت‌های مختلفی در زندگی خود مواجه می‌شوند که مانع رسیدن آنها به امنیت مالی می‌شود (موریس، ۲۰۰۷).^{۲۵} پول که بسیاری افراد آن را معیار موفقیت می‌دانند، اغلب یک موضوع نهی شده است (ایننتو، ۲۰۰۳).^{۲۶} زنان هنگام صحبت در مورد پول احساس ناراحتی بیشتری دارند چرا که آنان بیشتر به‌عنوان مراقب و نه نان‌آور خانه، تربیت شده‌اند. باورهای اجتماعی زنان را از مشارکت در روابط بازداشته و لذا زنان برای به دست آوردن حقوق مالی خود تلاش نمی‌کنند چرا که خود را فاقد تجربه لازم در این زمینه می‌دانند (برانیگان، ۲۰۰۴).^{۲۷} شغل‌هایی که زنان دارند بیشتر از آنکه کار تمام‌وقت باشد، به صورت پاره‌وقت بوده و شامل مزایای بازنشستگی نمی‌شود (هارتفورد، ۲۰۰۸).^{۲۸} زنان معمولاً در حالت رفت‌وآمد به محل کار برای رسیدگی به کودکان و والدین سالخورده خود هستند. نقش آنان به‌عنوان سرپرست خانواده و رفت‌وآمد مکرر آنها به محل کار، باعث می‌شود که زنان از حقوق و مزایا چشم‌پوشند (کارگر، ۲۰۰۸). زنان انرژی خود را صرف بچه‌ها و مسئولیت‌های خانگی خود می‌کنند در حالی که مردان بر نقش خود به‌عنوان نان‌آور متمرکز هستند (برانیگان، ۲۰۰۴). زنان اغلب، شغل‌هایی با حقوق پایین‌تر و مزایایی محدود دارند. این مسئله باعث می‌شود که پس‌انداز بازنشستگی آنها تقریباً نصف مردان باشد (شوالیه، ۲۰۰۹). در زمان بازنشستگی، اکثر زنان برای داشتن مزایای امنیت اجتماعی بالاتر، به شوهران خود وابسته خواهند بود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ تنها ۲۰ درصد از زنان بیوه مزایایی بیشتر از شوهر خود کسب کرده‌اند (فونداسیون، ۱۹۹۸).^{۲۹}

در اکثر خانوارها در ایالات متحده، زنان بیش از نیمی از درآمدها را کسب می‌کنند، با این وجود بازهم احساس راحتی ندارند. میانه دریافتی زنان با مدرک لیسانس ۳۵۴۰۸ دلار بوده در حالی که برای مردان با مدرک مشابه ۴۹۹۸۲ دلار است. میانه دریافتی زنان با مدرک حرفه‌ای ۵۵۴۶۰ دلار و برای مردان با همین مدرک ۹۰۶۵۳ دلار است

(سرشماری، ۲۰۰۰).^{۳۰} اکثر زنان هنوز هم در مشاغل سنتی زنانه در حال کار هستند. زنان زیادی هستند که می‌توانند خود را جزئی از میلیونرهای کشور به حساب آورند؛ با این وجود احتمال اینکه در فقر بازنشسته شوند، دو برابر است (ارمن، ۲۰۰۷).^{۳۱} زنان اغلب حقوق کمتر و عمر طولانی‌تر دارند. تعداد زنانی که ۸۵ سال و بیشتر عمر می‌کنند، دو برابر مردان است (هاتفورد، ۲۰۰۸).^{۳۲} این مسئله زمانی تبدیل به یک مانع می‌شود که آنان نمی‌دانند چگونه پول خود را خرج یا آن را سرمایه‌گذاری کنند. با توجه به اینکه امید به زندگی زنان بیش از مردان است، آنها نیاز دارند که پول بیشتری برای زمان بازنشستگی خود پس‌انداز کنند. با این وجود، به جای پس‌انداز برای بازنشستگی، بیشتر پول خود را خرج بچه‌ها یا خانواده می‌کنند (فرانکل، ۲۰۰۸).^{۳۳} زنان علاوه بر خرج کردن درآمد خود برای موارد گفته‌شده، برای خود نیز هزینه می‌کنند که این هزینه شامل طرح بازنشستگی آنها می‌شود (یودانیس، ۲۰۰۷).^{۳۴} درآمد یک زن با سن ۶۵ سال و بیشتر، کمتر از ۷۰۰۰ دلار در سال است (اوانز، ۲۰۰۹).^{۳۵} مانع دیگر مقابل زنان، فاکتوری با عنوان اتفاق‌های محتمل است. این مسئله زمانی رخ می‌دهد که آنها طلاق بگیرند یا همسرشان شغل خود را از دست بدهد. اگر زنان از نظر رفاه مالی به شخص دیگر وابسته باشند، اتفاق‌های زیادی ممکن است رخ دهد. تغییرات در زندگی ممکن است زندگی آنها را نابود کند و آنها را با انبوهی از تصمیمات مالی تنها بگذارد، آن‌هم در زمانی که غم و غصه، قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری آنها را مختل کرده است. بر اساس آمار وزارت کار، ۹ زن از ۱۰ نفر در مقطعی از زندگی، امور مالی خود را مدیریت می‌کنند (ایکمایر، ۲۰۰۷).^{۳۶}

هنوز این تصور وجود دارد که دریافتی زن، مکمل درآمد خانواده است (فرانکل، ۲۰۰۸).^{۳۷} کار کردن زنان برای حمایت از خانواده است. تحقیقات نشان می‌دهد که زنان شاغل سالانه حدود ۱ تریلیون دلار درآمد دارند که معادل ۵۲ درصد درآمد کسب‌شده توسط خانوارها هست (بیچ، ۲۰۰۲).^{۳۸} چگونگی مدیریت پول، تمامی جنبه‌های زندگی نظیر آموزش بچه‌ها، نوع خانه‌ای که خانواده سفارش می‌دهد و مشارکت خانواده در جوامع را تغییر می‌دهد (بیچ، ۲۰۰۲).

سندروم زن بی‌خانمان به زانی اطلاق می‌شود که از نظر ذهنی آسوده هستند ولی هنوز نگران شکست خوردن و بی‌خانمان شدن هستند (بیچ، ۲۰۰۲). با توجه به مسائل مطرح‌شده، این ترس واقعی است. زنان معمولاً کمتر از مردان حقوق می‌گیرند، کمتر پیش می‌آید که درآمدی ثابت داشته باشند، درگیر تصمیم‌گیری‌های مالی نیستند، تمایلی به درخواست دستمزد خود ندارند، افزایش حقوق و مزایای زنان نشان‌دهنده ارزشی است که آنها به یک سازمان افزوده‌اند و آنها بیشتر تمایل دارند تا پول خود را خرج افرادی که دوستشان دارند کنند بجای آنکه خرج خود کنند (بیچ، ۲۰۰۲، فرانکل ۲۰۰۸). مطالعاتی انجام شد که بیان می‌کند زنانی هستند که از سن ۵۰ سالگی یا بالاتر ازدواج کرده‌اند و نشان داد که زنان سواد مالی اندکی دارند و محاسبه بازنشستگی کار ساده‌ای برای زنان نیست و آنها بیشتر به خانواده، دوستان و مشاوران برای برنامه‌ریزی مالی خود تکیه می‌کنند. (چتنا سینگ، ۲۰۱۷)

مارتا کلت، (۲۰۰۹)،^{۳۹} یک مطالعه بر روی ارزیابی سواد مالی زنان انجام داد این مطالعه بر روی ۳۰۰ زن ۱۶ ساله و بالاتر انجام شد، اما تنها ۱۶۷ زن از ۳۰۰ پاسخ دادند و مشخص شد که برخی از موانع موجود در رابطه با مسائل مالی زنان، باعث می‌شود که زنان به‌طور کامل در برنامه‌ریزی بازنشستگی شرکت نکنند و همچنین نشان می‌دهد که آموزش نقش مهمی در سواد مالی زنان دارد و نیاز به کارگاه‌های آموزشی در مورد مدیریت پول و سرمایه‌گذاری است. ماتیفاتی و ولیومانی (۲۰۱۴)^{۴۰} یک مطالعه در مورد سواد مالی در میان زنان روستایی در تاملینادو^{۴۱} انجام داد؛ و نتیجه گرفت که سواد مالی زنان روستایی حاشیه‌نشین بسیار کم است. مطالعه نشان می‌دهد که توسعه سواد مالی به زنان برای تصمیم‌گیری‌های مالی بهتر و استفاده مناسب از خدمات مالی و محصولات می‌تواند به‌عنوان کمکی برای زنان باشد. این امر همچنین در انباشت ثروت و رفاه مالی کمک می‌کند که منجر به توسعه شخصی و توسعه اجتماعی می‌شود.

چیوانی^{۴۲} (۲۰۱۴) مطالعه‌ای در خصوص سواد مالی در میان زنان کارگر در پونه^{۴۳} انجام داد. این مطالعه نشان داد که محبوب‌ترین سرمایه‌گذاری در میان زنان مصاحبه شده، طرح سرمایه‌گذاری سیستماتیک است.

۴. سایر موانع سواد مالی

۱-۴ تحصیلات

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، نرخ سواد کم است. توانایی عددی در میان زنان ضعیف است که آنها را محدود می‌کند تا اطلاعات مالی را به‌درستی تجزیه و تحلیل کرده و برنامه‌ریزی مالی ضعیف داشته باشد که در نهایت بر تصمیم‌گیری‌های صرفه‌جویی و سرمایه‌گذاری و سلامت خانواده تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، فقدان آموزش عالی در میان زنان، در شناخت مفاهیم اساسی سواد مالی، مانند محاسبه بهره مرکب، تجزیه و تحلیل تورم، ریسک و بازده تجارت و تنوع و بخش‌بندی بازار و غیره، مشکلی ایجاد می‌کند.

۲-۴ اجتماعی و فرهنگی

در اکثر نقاط جهان، دنیا تحت سلطه مرد است، جایی که مردان جامعه را اداره می‌کنند و زنان از او پیروی می‌کنند. ظرفیت درآمد ویژه به‌عنوان منبع اصلی قدرت برای مردان برای اجرای جامعه بوده است. اما زنان نه تنها نقش مهمی را از لحاظ اجتماعی، بلکه از لحاظ اقتصادی نیز بازی می‌کنند ولی حتی زمانی که آنها در حال کار هستند، حق استفاده از پول‌های خود را بر اساس انتخاب‌های خود ندارند؛ زیرا در فرهنگ برخی کشورها از جمله کشورهای آسیایی، تصمیم‌گیری تنها در دست مرد خانواده قرار دارد. با این حال با همه این فشارهای اجتماعی و فرهنگی، زنان به‌رغم داشتن دانش و استعداد توانستند خود را اثبات کنند که در نهایت باعث توانمندسازی آنها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی شد؛ اما با وجودی که دسترسی زنان به خدمات مالی در ۱۰ سال گذشته افزایش یافته است، توانایی آنها برای بهره‌برداری از این دسترسی‌ها اغلب با مضراتی که آنها به دلیل جنس آنها تجربه می‌کنند، محدود شده است.

۳-۴ فاکتور ((آنچه اگر))

یکی دیگر از چالش‌هایی که زنان نسبت به مردان دارند، عامل «آنچه اگر» می‌باشد: عدم اطمینان و دانش زنان در رابطه با مدیریت پول، بر توانایی آنها در دستیابی به توانایی‌های مالی آنها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این در میان آنها این ترس وجود دارد که روند بقدری پیچیده است که آنها به‌خوبی درک نمی‌کنند یا قادر به دسترسی به اطلاعات مربوط به مسائل مالی نیستند. همچنین، آنها از خدمات مشاور مالی که می‌تواند به آنها در برنامه‌ریزی مالی خود کمک کند، از ترس اینکه ممکن است هزینه‌های بیشتری را اتخاذ کند یا از پولشان سوءاستفاده کند، استفاده نمی‌کنند. این همه مانع ایجاد دانش در مورد مدیریت پول اساسی می‌شود.

۴-۴ موانع مالی

اکثریت زنان یک فرد درآمد در یک خانواده نیستند. حتی اگر آنها در حال کار هستند، آنها نمی‌توانند تصمیمات مالی خود را مستقل در خانواده خود بگیرند. پولی که آنها به دست آورده‌اند به‌عنوان پول اضافی مورد استفاده قرار می‌گیرد که صرفاً برای صرف هزینه فراوان خانواده است؛ بنابراین نمی‌توانند پول خودشان را بر اساس انتخاب خودشان استفاده کنند. در بسیاری از موارد شرایط مالی ضعیف یک خانواده باعث ایجاد انگیزه برای کار زنان می‌شود. در تمام این شرایط، زنان به‌طور انتخابی تصمیم به تصمیم‌گیری مالی خود نداشتند و به همین علت با وجود اشتیاق به سواد مالی، نمی‌توانستند به‌درستی به دست آورند، چراکه آنها پول کافی برای در اختیار داشتن آموزش مالی از موسسات برای کسب دانش مالی، شرکت در سمینارها و یا کارگاه‌های آموزشی در مورد امور مالی ندارند و نمی‌توانند به برنامه‌های مختلف آگاهی بر سواد مالی و غیره بپیوندند.

۵-۴ موانع فیزیکی

بعضی اوقات امکانات زیربنایی ضعیف برای زنان مانع ایجاد می‌شود. به علت فقدان حمل‌ونقل خصوصی و کمترین وابستگی به خدمات حمل‌ونقل عمومی، زنان قادر به حضور در دوره‌هایی بودند که به‌طور خاص متمرکز بر آموزش مالی نبودند و یا نمی‌توانستند در برنامه‌های آموزشی در مورد آموزش مالی تحت مدیریت دولت در مکان‌های مختلف شرکت کنند. بسیاری از آنها، به‌طور منظم از خدمات بانکی استفاده نمی‌کردند و تنها به دلیل دسترسی کمتر به امکانات حمل‌ونقل، آن را ناامیدکننده و و مشمول صرف زمان و هزینه می‌دانند. دسترسی کمتر به موسسات مالی و مرکز آموزش مالی نیز یکی از موانع فیزیکی زنان است. علاوه بر این، استفاده روزافزون از رایانه در حال حاضر نیز به‌عنوان یک مانع فیزیکی برای زنان عمل می‌کند؛ چرا که آنها کاربران بسیار مکرر رایانه‌ها نبودند و عملکرد سیستم را بسیار دشوار می‌دانستند. (چتنا سینگ، ۲۰۱۷)

۵. چالش‌های زنان و سرمایه‌گذاری

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کشور ما توانمندسازی زنان است که تنها می‌توان با ایجاد زنان تحصیل‌کرده، تأمین مالی آزاد و مستقل به دست آورد. سواد مالی را می‌توان به‌عنوان توانایی دانست که چگونه مدیریت پول در یک عمل طبیعی انجام می‌شود. چالش‌های مالی پیش روی زنان متفاوت از مردان است. باوجودی که دسترسی زنان به خدمات مالی در ۱۰ سال گذشته بطور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته است، توانایی آنها برای بهره‌برداری از این دسترسی‌ها اغلب با مضراتی که آنها به دلیل جنسیت آنها تجربه می‌کنند محدود شده است. زنان در بودجه‌بندی و مدیریت هزینه‌های خانوار خوب هستند (چتنا سینگ، ۲۰۱۷) عقیده‌ای وجود دارد که بیان می‌کند همان ویژگی‌هایی که زنان را منحصر به فرد می‌سازد، آنها را از استقلال مالی بازمی‌دارد (فرانکل، ۲۰۰۸) پسران معمولاً به‌عنوان سرپرست و روزی دهنده تربیت می‌شوند. باوجود اینکه زنان می‌توانند کار کنند و نان‌آور خانواده خود باشند، ولی به‌عنوان نان‌آور تلقی نمی‌گردند (بودانیس، ۲۰۰۷).

امر آموزش از عوامل تأثیرگذار بر جایگاه مدیریتی زن در خانواده، است. آموزش می‌تواند تأثیر دوگانه‌ای داشته باشد، از یک‌طرف باعث مشارکت زنان در امور خانواده می‌شود و از طرف دیگر مانع پذیرش فرودستی وی است. بااین‌وجود جایگاه زن در خانواده، بیش از آنکه امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی اجتماعی است. زنان می‌توانند با ارائه راهکارهای مناسب و به‌موقع مسیر حرکت خانواده و اعضاء آن را در آینده تعیین نمایند؛ و از بروز مشکلات و خطرات پیش روی اعضاء جلوگیری نمایند. خانواده تنها منبع عرضه‌کننده نیروی کار جامعه می‌باشد از سویی چون خانواده مصرف‌کننده کالاها و خدمات تولیدشده در جامعه است؛ می‌تواند با روش استفاده‌ی صحیح از کالاها و خدمات، میزان بهره‌وری را بالا برد و از هدر دادن امکانات و دستاوردها جلوگیری کند. چنان‌که اگر فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی از سوی خانواده‌ها رعایت شود؛ به سطح جامعه نیز کشیده شده و نیروی انسانی در سطوح مختلف اداری، صنعتی، کشاورزی و ... به‌سوی حیث‌ومیل بیت‌المال و سرمایه‌های ملی و یا دست‌اندازی به اموال دیگران حرکت نخواهد کرد و این مسئله نتایج بسیار با خیروبرکتی به همراه دارد.

بنابراین مادر از ارکان اصلی تربیت و عامل مهم شکل‌گیری شخصیت رفتاری فرزندان است. شیوه‌های رفتاری فرزندان، انعکاسی از نوع تربیت مادران آن‌هاست؛ از این‌رو بسیاری از دختران و پسران رفتارهای فردی و اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی را از والدین خود می‌آموزند و در موقع لزوم آن را به کار می‌گیرند. یک مادر خوب و فهمیده که در خانه الگوی صحیحی برای مصرف داشته باشد و از مصارف غیرضروری و مسرفانه پرهیز کند، قطعاً دختری خواهد داشت که در زندگی فردی و اجتماعی آینده خود، دچار ضعف شخصیت و تقلید از دیگران نخواهد شد؛ اما در نقطه

مقابل، مادری که بدون داشتن الگوی صحیح مصرف، به زیاده‌روی و ولخرجی خو گرفته است، این روش او در ساختار روحی فرزندش اثر گذاشته و او در زندگی آینده‌اش آن را به کار خواهد گرفت (یوسف زینی وند، ۱۳۹۳). زنان مسئول رسیدگی به امور خانه و تمیزکاری و نگهداری‌های روزانه هستند که می‌تواند شامل بودجه‌بندی خانوار و پرداخت قبوض باشد (چن، ۲۰۰۲). آنها بیشتر از آنکه پولی برای بازنشستگی خود کنار بگذارند، پول را صرف هزینه کودکان و خانواده‌شان می‌کنند. درزمینه سرمایه‌گذاری، زنان درگیر وابستگی‌های احساسی هستند. آنها نمی‌توانند به راحتی در مورد پول صحبت کنند و تمرکز اصلی آنها بر انجام کار خوب است که در نقطه مقابل پولدار شدن قرار دارد. در مسئله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، وابستگی‌های احساسی مختلفی وجود دارد. این احساسات شامل نیاز به پس‌انداز برای خانواده و بچه‌ها است که به منظور تأمین احتیاجات و خواسته‌های آنها انجام می‌شود. همچنین زنان می‌خواهند که توانایی خرج کردن و احساس آزاد بودن داشته باشند و ماجراجویی را تجربه کنند. این پیوستگی‌های عاطفی در مسائل مالی مشخص‌کننده راحتی یا فقر زنان در زندگی‌شان است (بیچ ۲۰۰۲، فرانکل ۲۰۰۸).

چالش دیگر در مورد زنان این است که اکثر آنها تا زمان طلاق یا بیوه شدن هیچ آموزشی در حوزه مسائل مالی نمی‌بینند (بیچ، ۲۰۰۲). بسیاری از آنها رسیدگی به امور مالی را به شوهرشان واگذار کرده‌اند. آنها به راحتی اسنادی را امضا می‌کنند که براساس آن شوهرشان بدون هیچ سؤالی به آنها کمک‌خرجی دهد (شوالیه ۲۰۰۹، بیچ ۲۰۰۲، فرانکل ۲۰۰۸). این مسئله نگران‌کننده است چراکه حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. هشتاد درصد از زنان در مقطعی از زندگی خود از نظر مالی مستقل می‌شوند. احتمال آنکه زنان، بیکاران و افراد غیر کاری سواد مالی نداشته باشند، بالاتر از سایرین است (وورتینگتون ۲۰۰۶، اوانز ۲۰۰۹). زنان معمولاً به‌اندازه مردان منابعی برای دوران بازنشستگی خود ندارند و به دلیل آمادگی کمتر، در دوران بازنشستگی فقیرتر هستند (گلاس، ۱۹۹۸).^{۴۴} زولفیکار (۲۰۱۵)^{۴۵} یک مطالعه در مورد توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق سواد مالی، نگرش مالی و رفاه مالی انجام داد و دریافت که سواد مالی، نگرش مالی و سلامت مالی به‌طور معنادار و مثبتی با توانمندسازی اقتصادی ارتباط دارد. پراتیسا پاداماسری دکا (۲۰۱۵)^{۴۶} تلاش می‌کند رابطه بین توانمندسازی زنان و مشارکت مالی و سواد مالی را برای توانمندسازی زنان مطالعه کند. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که مشارکت مالی و سواد مالی، گام مهمی در جهت رسیدن به توانمندسازی زنان است

آکشیثا آرورا (۲۰۱۶)^{۴۷} یک مطالعه در مورد ارزیابی سواد مالی در بین زنان کارگر انجام داد و دریافت که آگاهی عموم در مورد ابزار و تکنیک‌های برنامه‌ریزی مالی در میان زنان ضعیف است.

این مسائل به دلیل ناتوانی زنان در مدیریت امور مالی و سرمایه‌گذاری ایجاد نمی‌شود، بلکه علت اصلی آن چالش‌های زیادی است که در این فرآیند پیش روی زنان قرار دارد. زنان عادت دارند که توانایی و استعداد خود را دست‌کم بگیرند. عموم زنان اشتیاق و تمایل کمتر و اعتمادبه‌نفس پایین‌تری برای یادگیری مسائل مالی دارند (چن، ۲۰۰۲). بهانه‌های زیادی برای درگیر نبودن آنها در امور رفاه مالی وجود دارد. برخی از این بهانه‌ها عبارت‌اند از: شخص دیگری این کار را انجام می‌دهد، من به مسائل مالی علاقه ندارم، پول کافی در نمی‌آورم، وقت ندارم و من اصلاً نمی‌خواهم به این موضوع فکر کنم (فرانکل، ۲۰۰۸). زنان اغلب علاقه کمتری به امور مالی دارند و ممکن است آماده‌سازی آنها در این زمینه مناسب نباشد (چن، ۲۰۰۲). مسئله به تعویق انداختن از دلایل رایجی است که زنان به‌واسطه آن اقدامی برای بهبود وضعیت مالی خود انجام نمی‌دهند. هفتادودو درصد اذعان دارند که به تعویق انداختن بر تصمیمات شخصی آنها مؤثر است. رسیدگی به نیازهای خانواده یکی از فاکتورهایی است که رسیدگی به وضعیت مالی را به تأخیر می‌اندازد.

برخی علل اقتصادی موجب می‌شود که زنان برنامه‌ای برای امنیت دوران بازنشستگی خود نداشته باشند. دلایل مطرح‌شده توسط گلاس عبارت‌اند از:

- موقعیت‌های شغلی که شامل مزایا و خدمات نمی‌شود
- مسیرهای شغلی مقطعی
- دریافتی پایین زنان
- مسائل مربوط به مستمری

• در نظرسنجی درآمد زنان به‌عنوان درآمد فرعی و ثانویه (گلاس، ۱۹۹۸)

جامعه امروزی در لحظه زندگی می‌کند. تقریباً ۴۰ درصد از جوانان در آمریکا اذعان دارند که بیشتر از درآمد خود خرج می‌کنند و نیمی از آنها هیچ برنامه‌ای برای پس‌انداز ندارند و حقوق آنها تنها برای تأمین هزینه‌هایشان کافی است. با پیچیده شدن روزافزون بازار، کسب دانش، مهارت، اعتمادبه‌نفس و تمکن مالی برای افراد به‌منظور عملکرد مؤثر به‌عنوان یک مصرف‌کننده در اقتصاد امروزی، سخت‌تر شده است (سجلکن، ۲۰۰۵).^{۴۸}

۶. قدرت مالی

پول قدرت است. درگیر شدن زنان در تصمیم‌گیری مالی خانواده، سهم آنها از درآمد خانوار و آموزش رسمی آنها را افزایش می‌دهد (برناسک، ۲۰۰۲).^{۴۹} در تصمیم‌گیری‌های مهم مالی، قدرت خانواده بیشتر از فرمانی است که یک نفر در حوزه منابع مالی و آموزشی دارد (برناسک، ۲۰۰۲). تحقیقات نشان می‌دهد که دریافتی زنان کمتر از مردان است. این مطالعه بیان می‌دارد که زنان کمتر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خانواده دخالت می‌کنند (برناسک، ۲۰۰۲).

در مورد سواد مالی، شکاف جنسیتی بین مردان و زنان تقریباً در هر کشور وجود دارد. حداقل سطح پایه سواد مالی برای هر زن بسیار ضروری است، به طوری که آنها بتوانند با توجه به انتخاب‌های خود زندگی خود را برنامه ریزی کنند و از این طریق زندگی سالم و موفقیت‌آمیز خانواده‌هایشان را به‌طور کلی به همراه داشته باشند. زنان دارای توان بالقوه زیادی هستند تا بتوانند به رشد اقتصاد کمک کنند؛ بنابراین زنان مستقل مالی می‌توانند منبع خوبی برای توسعه اقتصادی باشند (چتنا سنگ، ۲۰۱۷).

هرچقدر دریافتی زنان بیشتر باشد، نقش آنها در تصمیمات مالی بیشتر می‌شود. اگر زنان کمتر از مردان حقوق بگیرند، در فرآیند تصمیم‌گیری به اندازه مساوی نقش ندارند. اگر هر دو طرف حقوق مشابهی داشته باشند، فرآیند متعادل‌تر می‌شود. ولی اگر دریافتی زن بیشتر از مرد باشد، باز هم زنان هستند که نقش کمتری در تصمیمات دارند. اگر در رابطه‌ای، زن نقش نان‌آور داشته باشد، حس کنترل مردانه به خطر می‌افتد (یودانیس، ۲۰۰۷).^{۵۰}

سوءاستفاده مالی هنگامی رخ می‌دهد که مردان دسترسی زنان به پول را کنترل و محدود کنند (برانیگان، ۲۰۰۴).^{۵۱} سوءاستفاده مالی به این صورت تعریف می‌شود: منع دسترسی به حساب‌های بانکی، اطلاعات و حق تصمیم‌گیری در امور مالی، وابسته نگه‌داشتن از نظر مالی، عدم در اختیار گذاشتن پول کافی برای پرداخت قبوض، خرید غذا، لباس یا محصولات بهداشتی، مجبور کردن به پرداخت بدهی‌های شریک یا پرداخت کمک‌هزینه برای تفریح (برانیگان، ۲۰۰۴). در خانواده‌ها، فعل‌وانفعالات پیچیده‌ای ممکن است در اثر پول، جنسیت و قدرت شکل بگیرد. مسئله سوءاستفاده مالی ممکن است در تمام گروه‌های اقتصادی-اجتماعی فارغ از درآمد و دارایی‌های خانوار، به وجود آید. در صورت شکست روابط، فقیر بودن مادران که در حین رابطه پنهان مانده است، آشکار می‌شود (برانیگان، ۲۰۰۴). هنگامی که رابطه‌ای با شکست روبه‌رو می‌شود، منابع مالی برای تأمین نیازهای والدین و کودکان کافی نیست. معمولاً این زنان هستند که بعد از جدایی، با محرومیت مواجه می‌شوند. زنان معمولاً نیازهای خود را برای تأمین نیاز کودکان

خود قربانی می‌کنند و تا هنگامی که راه چاره‌ی دیگری نداشته باشند، از فرد دیگری کمک نمی‌خواهند (برانیگان، ۲۰۰۴).

در یک رابطه، پول ممکن است به یک مسئله احساسی تبدیل شود. انتظارات، قادر به شناسایی عدم توازن در قدرت و شکست در صورت وجود سوءاستفاده مالی در روابط، نیستند (برانیگان، ۲۰۰۴). در بحث مدیریت پول، زنان و مردان فلسفه متفاوتی دارند. مدیریت دارایی‌های یک زوج توسط مردان منجر به قدرت گرفتن او می‌شود، درحالی‌که مدیریت پولی زنان تبدیل به یکی دیگر از وظایف خانه‌داری آنها می‌شود (یودانیس، ۲۰۰۷).

۷. راهبردهای سرمایه‌گذاری

اکثر زنان تا زمانی که طلاق می‌گیرند یا بیوه می‌شوند، آموزش خاصی در زمینه امور مالی و راهبردهای سرمایه‌گذاری نمی‌بینند (بج، ۲۰۰۲). این موقعیت‌های عاطفی هستند که زنان را وادار به کنترل مسائل مالی خود می‌کند (فرانکل، ۲۰۰۸). در اکثر مواقع، زنان پول خود را با محافظه‌کاری بیشتری نسبت به مردان سرمایه‌گذاری کرده و نرخ بازگشت پول آنها پایین‌تر است (کار، ۲۰۰۸). این باعث می‌شود که رشد اوراق مالی آنها آهسته‌تر باشد. میزان درآمد متوسط زنان ۶۵ سال به بالا، کمتر از ۷۰۰۰ دلار در سال است (اوانز، ۲۰۰۹).^{۵۲}

ریسک‌پذیری یکی از زمینه‌های نگران‌کننده برای زنان است. یافته‌هایی که نشان می‌دهد زنان ریسک‌پذیری کمتری در سرمایه‌گذاری دارند مرتبط با این واقعیت است که اعتمادبه‌نفس آنها در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، پایین‌تر است (لوپیل، ۲۰۰۷).^{۵۳} زنان تمایل به سرمایه‌گذاری‌های آسان و پایدار دارند. عموم، آنها سرمایه‌گذاری کمتری در اوراق بهادار می‌کنند و بیشتر تمایل دارند که با محافظه‌کاری سرمایه‌گذاری کنند. ریسک‌پذیری پایین ممکن است آنها را از جمع‌آوری منابع مالی کافی برای بازنشستگی و رسیدن به اهداف مالی بلندمدت، بازدارد (لوپیل، ۲۰۰۷). این قضیه تنها مختص زنان نیست و بیشتر افرادی که فاقد دانش لازم در حوزه مسائل مالی، بلاخص دارایی‌ها همچون سهام، اوراق قرضه و منابع مالی مشترک هستند، با این مشکل مواجه می‌شوند (لوزاردی، ۲۰۰۹).^{۵۴} ترس از انجام ریسک ممکن است منجر به کاهش مستمری زنان در زمان بازنشستگی شود (چن، ۲۰۰۲). نداشتن سواد مالی و دانش مدیریت پول، زنان را از انتخاب درست محصولات سرمایه‌گذاری باز می‌دارد (گلاس، ۱۹۹۸). هشتاد درصد از خرید مصرف‌کنندگان، به‌وسیله زنان یا تحت نفوذ آنها انجام می‌گیرد (ایکمایر، ۲۰۰۷). زنان می‌توانند با بالا بردن ریسک‌پذیری و کسب اعتمادبه‌نفس در حساب و کتاب و تصمیمات مالی، سواد مالی خود را ارتقا دهند (گلاس، ۱۹۹۸). زنان می‌خواهند که نگرانی کمتر، سرمایه‌گذاری کم‌خطرتر، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری بالاتر و دسترسی آسان‌تر به اطلاعات مالی قابل‌درک، داشته باشند (ایکمایر، ۲۰۰۷). داشتن یک برنامه به زنان کمک می‌کند که به اهداف مالی خود دست یابند.

۸. نتیجه‌گیری

این مقاله مروری بر تحقیقاتی است که در زمینه سواد مالی زنان و راهبردهای سرمایه‌گذاری انجام شده است. در این مرور، موانع و چالش‌های پیش روی زنان در زمینه مسائل مالی مورد بررسی قرار گرفت. در این مقاله اطلاعاتی درباره زنان و راهبردهای سرمایه‌گذاری آنها و چگونگی تأثیر این راهبردها بر رفاه مالی زنان، مطرح گردید. در این تحقیق نشان داده شد که احساس اعتمادبه‌نفس زنان در تصمیم‌گیری برای مسائل مالی‌شان مبتنی بر ابزاری است که با آن کار می‌کنند. این نکته اهمیت دارد که بجای آموزش ساده مسائل مالی، بهتر است که به زنان ابزار کافی برای تغییر رفتارشان داده شود (لوزاردی، ۲۰۰۷).^{۵۵} این ابزار شامل، اطلاعات، منابع و موقعیت‌های آموزشی است که دانش و منابع لازم را برای مدیریت امور مالی فراهم می‌کند. حتی با وجود اینکه ممکن است حقوق زنان به اندازه مردان نباشد،

آنها می‌توانند از طریق تغییرات اجتماعی و آموزش، شخصیت روانی اجتماعی و نگرش متفاوتی کسب کنند. این موقعیت به‌راحتی به دست نمی‌آید و برای داشتن تأثیر نهایی باید کار را از سال‌های کودکی شروع کرد؛ زمانی که دختران با انتظارات از خود آشنا شده و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند (گلاس، ۱۹۹۸).

منابع

۱. گنیش لینا، کوهستانی مسعوده و اعظمی رحیم، (۱۳۹۲)، «توانمندسازی اقتصادی زنان افغانستان ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲»، جمع‌آوری معلومات، تحلیل و بررسی وضعیت، نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
۲. توسلی افسانه، رفیعی خونانی فاطمه، (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل (کارمند سازمان زن سازمان بیمه خدمات درمانی)»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره دوم.
۳. زینی وند یوسف، (۱۳۹۳)، «نقش زن در مدیریت خانواده»،
http://confnews.um.ac.ir/images/41/conferences/grp2/163_1.pdf
۴. قالمق کریم، یعقوب نژاد احمد و میرفیض فلاح شمس، (۱۳۹۵)، «تاثیر سواد مالی بر تورش های رفتاری سرمایه گذاران بورس اوراق بهادر تهران»، چشم انداز مدیریت مالی، شماره ۱۶.
5. Atkinson, A. messy, F. (2012). Results of the OECD / International Network on Financial Education (INFE) Pilot Study; [online], OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions. Available at: http://www.oecdilibrary.org/finance-and-investment/measuring-financial-literacy_5k9csfs90fr4-en.
6. Ateş, S. Coşkunb, A. Şahin, A. (2016). Impact of Financial Literacy on the Behavioral Biases of Individual Stock Investors: Evidence from Bursa Istanbul. *Business and Economics Research Journal*. 7(3): 1-19.
7. Bach, D. (2003). *1001 Financial words you need to know*. New York: Oxford University Press, Inc.
8. Bach, D. (2002). *Smartwomenjinish rich*. New York: Broadway Books.
9. Bemasek, A. & Bajtelsmit, V. L.(2002). Predictors of women's involvement in household financial decision-making. *Journal of the Associationfor Financial Counseling and Planning Education*, 13(2),39-48.
10. Branigan, E. (2004). *His money or our money: Financial abuse of women in intimate partner relationships*. Coburg: Coburg Brunswick Community Legal and Financial Counseling Centre Inc.
11. Breitbard, S. H. (Dec. 2003). Jump-starting financial literacy. *Journal of Accountancy*, 196(6),56-60.
12. Chen, H. & Volpe, R. P.(2002). Gender differences in personal financial literacy among college students. *Financial Services Review*, 11,289-307.
13. Eikmeier, B. J. (2007). Trends drive opportunities for financial planning for women. *Journal ofFinancial Planning*, 20(6),6.
14. Evans, R. P. (2009). *The 5 lessons a millionaire taught me for women about life and wealth*. New York: Simon & Schuster.
15. Foundation, T. C. (1998, October 27). *Social security: A women's issue*. Retrieved November 12, 2009, from: www.socsec.org/facts/issue_Briefs/PDF_versions/issbrf6.pdf
16. Frankel, L. P. (2008). *Nice girls don't get rich*. New York: Hachette Book Group USA.
17. Glass, J. & Kilpatrick, B. (1998). Gender comparisons of baby boomers and financial preparation for retirement. *Educational Gerontology*, 24(8) 719-745.
18. Hayat, A. Anwar M. (2016). Impact of Behavioral Biases on Investment Decision; Moderating Role of Financial Literacy” Working Paper; Department of Business Administration, International Islamic University Islamabad Pakistan
19. Inc, T. H. (2008, April). *A women'sjourney towardjfinancial independence*. Hartford, CT: Hartford Securities Distribution Co. Inc.
20. Into, F. H. (2003). Older women and financial management: Strategies for maintaining independence. *Educational Gerontology*, 825-839.
21. Jumpstart coalition. (2009). National Standard in K-12 Personal Financial Education. [online], available at:<http://www.jumpstart.org/guidehtml>
22. Loibl, C. & Hira, T. (2007). New insights into advising female clients on investment decisions.*Journal of Financial Planning*, 20(3), 68-75.

23. Lusardi, A. (Jan 2007). Financial literacy and retirement preparedness: Evidence and implications for financial education. *Business Economics*, 35-44.
24. Lusardi, A. (2009). *Financial literacy, retirement planning, and retirement wellbeing: Lessons and research gaps*. Washington, DC: Conference on Financial Literacy.
25. Morris, V. B. (2007). *A women's guide to investing*. New York: Lightbulb Press.
26. Orman, S. (2007). *Women & money*. New York: Spiegel & Grau.
27. Segelken, R. (2005, August). Cornell cooperative extension team shows treasury the way to financial literacy. *Human Ecology*, 33(2), 10-15.
28. Stone, G. (2004, June). *Loma*. Retrieved July 17, 2009, from: www.loma.org
29. United States Census Bureau. (2000). *Census brief Women in the United States: A profile*. Washington DC: United States Department of Commerce.
30. Worthington, A. (2006). Predicting financial literacy in Australia. *Financial Services Review*, 15(1), 59-79.
31. Y odanis, C. & Lauer, S. (Dec 2007). Managing money in marriage: Multilevel and crossnational effects of the breadwinner role. *Journal of Marriage & Family*, 69(5), 1307-1325.

یادداشت ها

- 1 - Oppenheimer
- 2 - Jumpstart coalition
- 3 - The Organization for Economic Co-operation and Development
- 4 - Atkinson A. messy, F
- 5 - Ates, S. Coskunb, A. Sahin, A
- 6 - Hayat, A. Anwar M
- 7 - Noctor et.al
- 8 - Moore
- 9 - Mandell
- 10 - Lusardi
- 11 - The Organization for Economic Co-operation and Development
- 12 - Stone, G
- 13 - Investor
- 14 - Into, F. H
- 15 - Eikmeier, B. J
- 16 - United States Census Bureau
- 17 - Lusardi, A
- 18 - Chen, H. & Volpe, R. P
- 19 - Breitbart, S. H
- 20 - Into, F. H
- 21 - Chen, H. & Volpe, R. P
- 22 - Y odanis, C. & Lauer, S
- 23 - Foundation, T. C
- 24 - Chetna Singh
- 25 - Morris, V. B
- 26 - Into, F. H
- 27 - Branigan, E
- 28 - Hatford
- 29 - Foundation, T. C
- 30 - United States Census Bureau
- 31 - Orman, S
- 32 - Hatford
- 33 - Frankel, L. P
- 34 - Y odanis, C. & Lauer, S
- 35 - Evans, R. P
- 36 - Eikmeier, B. J
- 37 - Frankel, L. P
- 38 - Bach, D

- 39 - Martha Klatt
- 40 - V. Mathivathani and Dr.M. Velumani
- 41 - Tamilnadu
- 42 - Chijwani. M. et al
- 43 - Pune
- 44 - Glass
- 45 - zolfika T
- 46 - Pratisha PadmasriDeka
- 47 - Akshita Arora
- 48 - Segelken
- 49 - Bernasek, A
- 50 - Yodanis, C
- 51 - Branigan, E
- 52 - Evanz
- 53 - Loibl, C
- 54 - Lusardi, A
- 55 - Lusardi, A